

یادگیری خودمختار

طراحی آموزشی با تأکید بر مهارت خودیادگیری

اشاره

شیوه‌های یاددهی یادگیری مقاصد گوناگونی از تعلیم و تربیت دارند که مهم‌ترین آن‌ها یادگیری است. در عین حال، برخی مهارت‌ها و توانمندی‌ها در دانش‌آموزان از طریق همین شیوه‌ها تقویت می‌شوند. برای مثال، برخی روش‌ها مهارت حل مسئله و اکتشاف را ارتقا می‌دهند، برخی دیگر تفکر منطقی را در پی دارند و برخی نیز خلاقیت را نشانه‌گیری می‌کنند. از دیگر توانایی‌ها می‌توان به خودیادگیری در یادگیری اشاره کرد. کدام دسته از روش‌های تدریس می‌توانند زمینه رشد این توانایی را در دانش‌آموزان فراهم آورند؟ در میان گروه‌های الگوهای تدریس، از شیوه‌هایی که مشارکت دانش‌آموزان در آن‌ها بالاست و در یادگیری از همیاری استفاده می‌شود بیشتر می‌توان انتظار داشت خودیادگیری را تقویت کنند. ضمن آنکه یادگیری مشارکتی و نیز کار گروهی به نوبه خود موجب ارزش‌ها و توانمندسازی دانش‌آموزان در دیگر زمینه‌ها نیز هستند. پرداختن به جزئیاتی در این خصوص مقصود نوشته پیش‌روست.

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی، خودیادگیری، یادگیری

من، یواشکی کار را ادامه می‌دادند و برخی دیگر هم می‌گفتند ما تمام کردیم! من هنوز به گام دوم نرسیده بودم. با ناباوری سراغشان رفتم. درست می‌گفتند. هر شش گام را طی کرده بودند و اشتباهی هم در کار نبود.

شاید در تصور من، توان دانش‌آموزانم برای طی مسیر یادگیری چندان با واقعیت آن‌ها سازگار نبود و شاید هم کنار هم بودنشان توان آن‌ها را برای کشف مسیر یادگیری چند برابر کرده بود! آن روز بیشتر ایمان آوردم که همه رشته‌ها دست من نیست و باید برای خودیادگیری دانش‌آموزان فضای بیشتری فراهم کنم.

مقصود از خودیادگیری چیست؟

هنگامی که خودیادگیری در یادگیری مطرح می‌شود، گستره وسیع آن تعریف‌های متنوعی را هم تداعی می‌کند. در اصول ناظر بر برنامه درسی ملی آمده است، راهبردهای یاددهی یادگیری باید زمینه را برای خودیادگیری در یادگیری، درک اهداف، یادگیری همیارانه و توانایی خودارزشیابی فردی و گروهی فراهم کند.

در رایج‌ترین تعریف یادگیری خودیادگیر از نولز

دریچه تجربه: چه فکر می‌کردم، چه شد!

نومعلمی هم روزگار خودش را دارد. در سال‌های اول کارم تصمیم داشتم شیوه جدیدی را در کلاس به کار گیرم و می‌دانستم این کار در یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بالایی دارد. به دقت تمام مراحل را مرتب کردم تا یکی یکی با دانش‌آموزان در میان بگذارم و از آن‌ها دعوت کنم به ترتیب گام‌ها را طی کنند. همین که کلاس را گروه‌بندی کردم و در مرحله اول بودم، دیدم دانش‌آموزان با هم شروع به گفت‌وگو کردند. چند بار تذکر دادم که صبر کنید، الان مرحله‌ها را با هم پیش می‌رویم، ولی کسی گوشش بدهکار نبود. برخی برای احترام به حرف



راهبردهای یاددهی یادگیری باید زمینه را برای خودراهبری در یادگیری، درک اهداف، یادگیری همیارانه و توانایی خودارزشیابی فردی و گروهی فراهم کند

فرایند خودیادگیری در یادگیری

در بخش دیگری از برنامه درسی ملی، از اصول حاکم بر راهبردهای یاددهی یادگیری آمده است: راهبردهای یاددهی یادگیری به حفظ توازن بین رویکرد فرایندمدار و نتیجه‌مدار توجه دارند. با این نگاه، صرفاً حصول نتیجه مورد انتظار نیست و لازم است شیوه و مراحل انجام هر فعالیت یادگیری نیز از توجه بالایی برخوردار باشد. این ویژگی درباره مهارت خودیادگیری در یادگیری نیز صادق است. اهمیت مقصد و مسیر در دو منظر فلسفی و فرایندی قابل بررسی است. از دیدگاه فلسفی، فلسفه یا هدف فرد، استقلال شخصی و خودمدیریتی در یادگیری، رضایت یا ظرفیت رهبری آموزشی فرد را در برمی‌گیرد و از دیدگاه فرایندی اجازه داده می‌شود یادگیرندگان با اتکا به خود لذت یادگیری را تجربه کنند. همین موضوع ضرورت به‌کارگیری این شیوه را در طراحی آموزشی نشان می‌دهد.

پنج ستون اصلی در یادگیری خودیادگیری

پرسش اصلی در ایجاد و تقویت خودیادگیری در یادگیری، چگونگی اجرای آن است. به این منظور، سازوکارهای ضروری

(Fisher, King & Tague, 2001: 516-525) آمده است: خودیادگیری در یادگیری به فرایندی گفته می‌شود که در آن فراگیرندگان با کمک یا بدون کمک دیگران برای تشخیص نیازهای یادگیری، تدوین اهداف، شناسایی منابع انسانی و غیرانسانی، انتخاب و اجرای راهبردهای یادگیری و ارزیابی پیامدهای یادگیری ابتکار عمل دارند. هدف از این فرایند، پرورش یادگیرندگان و افرادی خودانگیز، ساعی، مستقل، خودمنضبط، خودباور و هدف‌محور است.

جری الیوت نیز در تعریف خودیادگیری معتقد است: این امر که نحوه فراگیری به صورت خودیادگیری باشد یا نباشد، به موضوع آموزش بستگی ندارد. خودیادگیری به این بستگی دارد که مسئولیت فراگیری با چه کسی است، چه منابع و روش‌هایی باید مورد استفاده قرار گیرند و موفقیت حاصله چگونه اندازه‌گیری شود؟ هر چه اتخاذ تصمیم در زمینه‌های فوق به فرد گرایش داشته باشد، او به خودیادگیری نزدیک‌تر می‌شود. (Chen, 2002: 11-24؛ Chih, 2006) از مباحث عمده در توسعه خودیادگیری، توجه به ایجاد اعتماد به نفس، انگیزش و توانمندی افراد است. همچنین، به خودارزیابی فرد و اثربخشی آموختن در موضوعات مورد نیاز توجه می‌شود.

در طراحی آموزشی قابل توجه است. در این مورد، ایجاد شرایطی که در آن پنج موقعیت به عنوان زیربنا فراهم شده باشند، مورد نیاز و تسهیل کننده است:

۱. فراگیرندگان باید احساس کنند به یادگیری نیاز دارند و باید بدانند چطور، چرا و چگونه چیزی را می آموزند.

این مورد از جمله شرایطی است که در هر نوع طراحی آموزشی بر آن تأکید می شود. هنگامی که دانش آموزان در جریان چرایی و چگونگی یادگیری قرار دارند، به مراتب بیشتر از وقتی که عاملی فعال شناخته نشده اند و در یادگیری نقش مؤثری ندارند، از این فرایند لذت می برند.

این کار در گام های گوناگون فرایند یاددهی یادگیری و به شکل های متنوعی قابل اجراست. ممکن است معلم در ایجاد انگیزه و در بخش اول پیش از تدریس، در قالب فعالیت هایی، دانش آموزان را از آنچه قرار است یاد بگیرند و از شیوه آن مطلع کند. همچنان که برخی در تکلیف آماده سازی این مهم را انجام می دهند. در هر صورت، این کار بخشی از ایجاد مهارت خودیادگیری در دانش آموزان را شکل می دهد که آن ها را یادگیرنده ای فعال در نظر می گیرد و به همین دلیل مسیر را به آن ها نشان می دهد.

خودراهبری به این بستگی دارد که مسئولیت فراگیری با چه کسی است، از چه منابع و روش هایی باید استفاده شود و موفقیت حاصله چگونه اندازه گیری شود

۲. مضمون و جریان یادگیری ارتباط مهم و قابل درکی با تجربه های گذشته داشته باشد و تجربه منبع مناسب یادگیری به حساب آید.

میان یادگیری های گذشته و جدید کمک می کند رشته و مسیر حرکت در یادگیری برای دانش آموز معنادار و روشن باشد و او به مرور این توانایی را کسب کند که گام های یادگیری خود را تعیین و دنبال کند.

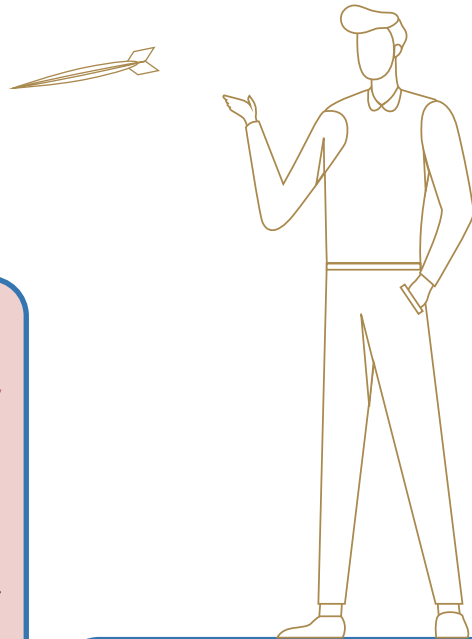
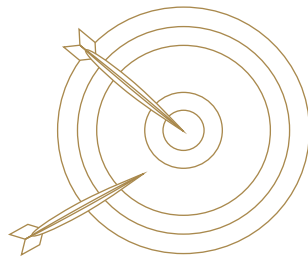
دریچه تجربه: به فضولی معروف شدم!

از وقتی وارد دوره متوسطه شدم، یکی از بزرگ ترین مسائل من شناور و متعدّد بودن معلمان بود، چون در دوره ابتدایی عادت داشتم همه درس ها را خودم دنبال کنم. ولی حالا نمی دانستم در کلاس های دیگر چه اتفاقی برای یادگیری دانش آموزان کلاس می افتد؟ برای همین مدام در گفت وگوهای زنگ تفریح در مدرسه یا در جلسات رسمی و غیررسمی، از دیگران درباره اینکه الان کجای درس هستند، چه می کنند و چه روش هایی را به کار می گیرند سؤال می کردم. معمولاً هم از همین پاسخ ها برای روش خودم یا برای مثال های بیشتر کلاسی استفاده می کردم. با اینکه ریاضی تدریس می کنم، اما کلی نمونه از علوم و اجتماعی و درس های دیگر می دانم که در تدریس به کار می گیرم. همین مثال ها، اثر زیادی در یادگیری دانش آموزان دارد، زیرا کتاب های درسی را جزیره هایی جدا از هم نمی بینند. اما این مواجهه من برای برخی همکارانم عجیب بود و کم کم لقب معلم فضول را گرفتم! البته که در حد مزاح باقی ماند و در جلسات شورا درباره تأثیر نگاه پیوستاری معلم برایشان شرحی دادم.

۳. مطلبی که فراگرفته می شود، به طور مطلوبی با تغییرات روانی و جسمانی فرد و امور و وظایف او در زندگی ارتباط داشته باشد. مقصود از این تناسب،

چیزی بالاتر و بیشتر از توجه به روند رشد شناختی دانش آموزان است و به ارتباط بین برانگیختگی درونی دانش آموز و محتوای مطالب مورد یادگیری اشاره دارد. مهم ترین کلیدواژه در این سازوکار، برانگیختگی درونی است. در این شرایط، معلم به دنبال راهکارهایی است که ذهن و حس دانش آموزان را با موضوع یادگیری درگیر کند. گاهی نیز دانش آموزان از طریق شیوه معلم برانگیخته می شوند و سپس به موضوع علاقه نشان می دهند.





۵. فراگیرندگان در محیطی آموزشی ببینند که اضطراب آن‌ها را به حداقل برساند و بتوانند با آزادی، موضوعات، مطالب و مهارت‌های موردنظر را تجربه کنند. این موضوع نیز از دیگر مشترکات در یادگیری هر نوع از طراحی‌های آموزش است، زیرا اضطراب همواره به‌عنوان مانع یادگیری شناخته شده است. اما در اینجا مقصود تأکید بر نبود اجبار و داشتن آزادی در انتخاب و اجرای فعالیت آموزشی است تا از این طریق یادگیرنده حس آرامش و رضایت بیشتری را تجربه کند.

جمع‌بندی

از جمله مهارت‌های ضروری در آموزش، خودراهبری در یادگیری است. این توانایی به فرایندی گفته می‌شود که در آن فراگیرندگان با کمک یا بدون کمک دیگران، برای تشخیص نیازهای یادگیری، تدوین اهداف، شناسایی منابع انسانی و غیرانسانی، انتخاب و اجرای راهبردهای یادگیری و ارزیابی پیامدهای یادگیری ابتکار عمل دارند. هدف از این فرایند پرورش یادگیرندگانی خودراهبر، خودانگیخته، ساعی، مستقل، خودمنضبط، خودباور و هدف‌محور است. به این منظور، سازوکارهایی برای اجرا ضروری هستند. از آن جمله: سهم دانستن یادگیرنده در مسیر یادگیری، مطلع کردن او از جریان و اهداف یادگیری به شیوه‌های گوناگون، ایجاد برانگیختگی درونی دانش‌آموزان با یادگیری، افزایش استقلال و کاهش اضطراب در مسیر یادگیری.

۴. میزان استقلال تجربه‌شده افراد با چیزی که

برای یادگیری جدید نیاز است، متناسب باشد. به عبارت دیگر، توجه به تجربه‌های مستقل دانش‌آموزان و امکان اعطای استقلال بیشتر به آنان، زمینه‌ساز رشد خودراهبری یادگیری در آن‌هاست.

دریچه تجربه: استقلال خودم را از دست دادم!

در یکی از تجربه‌هایم، با روند رشد بچه‌هایی از کلاس روبه‌رو بودم که به شدت آمادگی مستقل شدن را داشتند و به نتیجه خوبی هم رسیدند. اگر تا پایان سال برای گروه وظیفه‌ای تعیین می‌کردم، به سرعت و سادگی می‌توانستند بین خودشان تقسیم وظیفه کنند و مستقل از یکدیگر کار را پیش ببرند. برای مثال، یک بار تهیه تابلوی نمایش را، پس از تدریس بخشی از درس علوم، به هر گروه واگذار کردم.

دانش‌آموزان گروه پس از اینکه اجزای تابلو را که به صورت کلی در اختیارشان گذاشته بودم نهایی کردند، هر کدام بخشی را انتخاب کردند. چند نفر انجام آزمایش و یکی دیگر نوشتن گزارش و چند نفر دیگر به تصویرکشیدن مراحل انجام کار را.

خوش‌حال بودم. از گروهی که شاید از ابتدا توان خود را نمی‌شناختند یا نمی‌توانستند به طور مستقل مسیر مناسب یادگیری خود را انتخاب کنند، حالا دانش‌آموزانی داشتم که می‌دانستند در چه زمینه‌ای و چگونه می‌توانند بهتر در یادگیری خود مؤثر باشند. البته هم‌زمان این حس را هم داشتم که دارم استقلال خودم را در راهبری کلاس از دست می‌دهم!

منابع

1. Ao Man- Chih, (2006). The effect of the use of self- regulation learning strategies on college student's performance and satisfaction in physical education, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements of degree doctor of education
2. Gibbons, M. (2002). The Self-Directed Learning Handbook: Challenging Adolescent Students to Excel. New York: Jossey-Bass.
3. Fisher, M., King, J., & Tague, G. (2001). Development of a self-directed learning readiness scale for nursing education. Nurse Education Today, 21
4. Chen, C. S. (2002). Self- regulated learning strategies and achievement in an introduction to information systems course. Information Technology Learning and Performance Journal, 20(1)